

مغزهای نفرین شده و عقلانیت انسانی

اهمیت ستراتیژیک در قاعده یک بازی مخفی و ماهرانه
سقوط امنیت روانی و طرح‌های چهارگانه پولیسی

چگونگی دامن زدن به کانون‌های تشنج در کشور ما
خشونت جنسی، تروریزم و جرایم سازمان یافته
بررسی نقطه قوت و موشگافی نقاط ضعف
تجزیه و تحلیل روندهای رادیکالیزه کردن

عقلانیت یا خردورزی در فلسفه یونانی، به بکارگیری عقل و خرد بمنظور حصول شناخت گفته می‌شود که در مقابل مفاهیمی چون تجربه گرایی یا اصالت حس قرار می‌گیرد. واژه انگلیسی Rationality بگونه گسترده در رشته‌های علمی اقتصاد، جامعه‌شناسی، روانشناسی و علوم سیاسی در معانی مختلف بکار می‌رود. عقلانیت، ویژگی یا حالت معقول بودن بر مبنای حقایق یا عقل و منطق است. عقلانیت بر انطباق اعتقادات شخصی با دلایلی برای اعتقادوی یا اقدامات شخصی با دلایلی برای آن عمل دلالت دارد. "عقلانیت" دارای معانی متفاوتی در فلسفه، اقتصاد، جامعه‌شناسی، روانشناسی، زیست‌شناسی تکاملی و علوم سیاسی میباشد. فرد برای اینکه چه رفتاری منطقیتر است، باید چند فرضیه اصلی را ارائه نموده و همچنین نیازمند تدوین قابل سنجش مسأله است. هنگامی که هدف یا مشکل مستلزم تصمیم‌گیری می‌باشد، عوامل عقلانی در میزان اطلاعات قابل استفاده می‌باشند. بگونه خلاصه، تدوین فرضیه‌های پیشین، مدلی است که عقلا نیت در آن اعمال می‌گردند. جامعه‌شناسان تفسیر کنش اجتماعی را ارائه نمودند که عبارتند از عقلانیت آرمان‌گرا، عقلانیت هدفمند یا ابزاری، عقلا نیت ارزش‌گرایا اعتقادگرا، عقلانیت تأثیرگذار و عقلانیت سنتی یا رسوم.

تجزیه و تحلیل مسایل مورد مطالعه کنونی را با شرح اقداماتی آغاز می‌نماییم که عمدتاً بمنظور اسکان جنگجویان پاکستانی و انتقال زیرساخت‌های جهادگران از اراضی متعلق به پاکستان بسرمین کشور عزیز ما افغانستان، آنهم تحت پوشش "جابجایی کوچی‌ها"، بویژه در ولایت‌های شمال کشور و تبدیل مناطق یادشده به پایگاه مطمئن گروها و دسته‌بندی‌های جهادی و تروریستی و از آن طریق، اجرای عملی ستراتیژی مورد نظر در کشورهای منطقه از جمله روسیه، چین، ایران و آسیای مرکزی در شرف تکوین می‌باشد. کارشناسان علوم سیاسی چنین می‌پندارند که ستیزه جویان "القاعده" و کلیه گروها و دسته‌بندی‌های تروریستی در مجموع و بمتابۀ یک جمع بهم پیوسته فقط و فقط در انتظار هدایت حامیان جدید "جهاد" در منطقه می‌باشند. بخاطر ما باشد که تطبیق و اجرای عملی برنامه وزیرستان دوم تقریباً در حال اتمام میباشد. بحواله منابع آگاه و معتبری در زمینه یادشده، چنین ابراز نظر می‌گردد که در شرایط وضعیت حاضر، اصل انتقال زیرساخت‌های آموزشی و تربیتی "جهاد" نیز از وزیرستان پاکستان بشمال کشور ما در دستور کار آنها قرار دارد. برخی از منابع آگاه چنین ادعا می‌نمایند که حدود ۴۵ سال قبل، در مناطق مرزی شمال غربی پاکستان، ایجاد و پایه‌گذاری زیرساخت‌های وسیع و گسترده‌ای بمنظور آغاز و تداوم "جهاد" در افغانستان و همچنان با طرح دورنمای انتقال و وسعت آن به جمهوری‌های آسیای مرکزی آغاز گردید که بگونه کلی و عمدتاً علیه تحركات انقلابی و مبارزه با حضور قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی در سرلوحه اقدامات تخریبکارانه شان قرار داشت. در وضعیت اینچنینی، با شکل‌گیری، انسجام، تقویت و حمایت از گروهای مجاهدین بویژه از جانب ایالات متحده، عربستان، پاکستان، چین، ایران و برخی از کشورهای دیگر، وضعیت بگونه‌ای دراماتیکی دستخوش تغییر و دگرگونی گردیده و در کنار اینهمه، در نتیجه، "القاعده" با زیرساخت‌های لوژیستیکی، آموزشی و امکانات گسترده

و همه جانبه برای جهادگران، بویژه در شمال پاکستان در وزیرستان وارد میدان گردید. مدتی پس از آن، اندیشه و مفکوری انتقال و جابجایی زیرساخت های یادشده بکشور عزیزما افغانستان، بویژه در مناطق و محلات همجواری مرزهای اتحاد شوروی مطرح گردید. اما پس از ریشه یابی و گسترش درگیریهای درکشور و در نتیجه پس از فروری حاکمیت موجود، این "طالب" ها بودند که از موقعیت مناسبتری برخوردار گردیده و به تصرف قدرت میبادند. پس از قدرت رسیدن "طالب" ها، رهبری سازمان اطلاعاتی پاکستان، تطبیق و اجرای عملی برنامه انتقال تمامی زیرمجموعه ها و ساختارهای موجود متعلق به آی اس آی را از پاکستان بکشور عزیزما افغانستان در دستور کار خویش قرار دادند. اما اجرای برنامه یادشده با تکوین وقایع ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در ایالات متحده و آغاز تهاجم نظامیان امریکایی و تفنگ بدستان ناتو بکشور عزیزما بحالت تعلیق درآمد و مهاجمان متذکره، پس از ورود، مدت بیش از ۲۰ سال تمام در سرزمین کشورما به موجودیت و حضور پررنگ شان و بتداوم درگیری های مسلحانه ادامه دادند. بر بنیاد اظهارات برخیها، پایه گذاری و استفاده فعال از زیرساخت های آموزشی و تربیوی جهاد از بهار سال ۱۴۰۱ خورشیدی آغاز گردید. همچنان انتقال وسیع و سریع زیرساخت های آموزشی و تعلیم و تربیه جهادی ها عمدتاً به هدف انتقال آنها از وزیرستان شمالی و جابجایی و اسکان آنها در ولایت های شمالی هم مرز با جمهوری های سابق شوروی، ایجاد و پایه گذاری پایگاهها، اردوگاههای آموزشی و مراکز توزیع سلاح و مهمات جنگی متعلق به "طالب" ها، "القاعده" و سایر گروههای تروریستی جهادی نیز آغاز گردید.

یکی از جمله منابع معتبر خاطر نشان نموده و تأکید بعمل آورد که تطبیق و اجرای عملی برنامه وزیرستان ثانی آغاز گردیده است. بسخن دیگر، تبدیل شمال کشورما بمثابه پشت جبهه تدارکاتی و لوژستیکی و اداری - سیاسی "جهاد" در شرف تکوین می باشد. همچنان تذکراتی در اینمورد بعمل آمد که در امتداد ماه حوت سال پار، "طالب" ها در چار چوب تطبیق و اجرای عملی برنامه جابجایی مدرسه های جهادی و مراکز آموزش شبه نظامیان "طالب" ها، اسکان ۶ هزار خانوار را که بگونه عمده در برگیرنده مدرسین و آموزش دهندگان در مراکز یا دشته می باشند، آغاز نموده اند. قابل یاددهانی پنداشته می شود که انتقال مدرسه ها و مراکز آموزشی ستیزه جویان که عمدتاً در برگیرنده بمب گذار ان انتحاری می باشد، در مناطق و محلات همجواری جمهوری های آسیای مرکزی و در مجاورت با مرزهای کشورهای یادشده، از جمله در ولسوالی های جرم، وردوج، یمگان و شهدا در ولایت بدخشان، ولسوالی های خواجه بهالدین و درق در ولایت تخار و در برخی از واحدهای اداری ولایت کندز و همچنان در امام صاحب، خان آباد، دشت ارچی و چهاردره اسکان داده شدند.

برین بنیاد، در اواسط ماه حوت سال ۱۴۰۱ خورشیدی، "طالب" ها با حمایت دادگاه کیفری بین المللی، بتعداد ۳۰۰ خانوارهای یادشده را به ولسوالی خواجه بهالدین ولایت تخار انتقال داده و خلاف میل شهروندان ساکن، در محل بود و باش بومیان تاجیک ها و ازبیک های محلی، در مناطق یادشده جابجا گردیدند. مهاجران مسلح جدید و وارد شده در مناطق یادشده بزبان های تاجیکی و ازبیکی اصلن آشنایی حداقل هم نداشته و همچنان آنها از هرگونه تماس و تأمین ارتباط این شهرک نشینان با ساکنان محل ممنوع گردیده و همچنان "طالب" ها از مناطق و محلات اقامت آنها با اقدامات جدی محافظت و نگهداری بعمل می آورند. بر بنیاد گزارش های موجود، تمامی مراکز آموزشی شبه نظامیان، سازمان ها و دسته بندی های تروریستی بین المللی و اسلام گراها به دلایت های شمال کشورما انتقال داده شده اند که عمدتاً در برگیرنده ولایت های تخار، بدخشان، کندز، بغلان، سمنگان، بلخ، فاریاب، جوزجان، بادغیس، سرپل، نورستان و پنجشیر می گردد.

منابع آگاه چنین ادعا می ورزند ک اقدامات یادشده، بمفهوم وسیع کلمه و انتخاب و تعیین ولایت هایی بمنظور استقرار زیرساخت های جهاد بویژه در نزدیکی مرزهای کشورهای مشترک المنافع و جمهوری های پسا شوروی، بخودی خود، پیامدهای جدی امنیتی و سیاسی - نظامی برای کشورهای منطقه را با خود به همراه دارد. چنانچه انتقال منابع و جابجایی زیرساخت های جهادی از وزیرستان پاکستان بشمال کشورما، با حمایت کامل و موافقت بی چون و چرای "طالب" های ساکن در افغانستان صورت عملی بخود اختیار نموده و انتقال عقبه کل عملیات "پشت جبهه" و تهیه همه تدارکات آموزشی گروههای تروریستی بکشورما توسط ملافاصل، معاون وزیر دفاع حاکمیت "طالب" ها اداره و رهبری می گردد.

دروضعیت و شرایط و حال و احوال کنونی، صفحات و مناطق شمال کشور عزیزما به پایگاه اصلی و مهم سازمان های جهادی تروریستی مبدل گردیده که عمدتاً بر بنیاد مفکوره نهفته در ستراتیژی از قبل تدوین شده گسترش تشنج و نا امنی بکشورهای منطقه، از جمله به روسیه، چین، آسیای میانه و ایران می باشد.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که برخی از صفت بندی های ژئوپولیتیکای دستخوش تحولاتی گردیده اند، باین مفهوم که بعوض نفوذ و تأثیرگذاری ایالات متحده، نفوذ و اثرگذاری پاکستان، فدراسیون روسیه، چین و ایران درکشورما رو باافزایش می باشد. اکثریت قریب بتمام دست اندرکاران علوم سیاسی تلاش می ورزند تا حقیقت و صورت واقعی تلا ش های رهبران کشورهای آسیای مرکزی و فدراسیون روسیه را مبنی بر جستجوی راهها و وسایلی بمنظور بهبود منا سبات و روابط با "طالب" ها مورد غورو بررسی قرار دهند. از جانب دیگر، برخی از دانشمندان علوم سیاسی باین عقیده اند که احساسات ضد پاکستانی حتا میان "طالب" ها و درمجموع درکل افغانستان درحال فزونی می باشد. اما بخاطر باید داشت که شکل گیری جنبش و تحرکات ضد پاکستانی درکشور عزیزما افغانستان در حال شکل گیری می باشد. با وجود آنکه شهروندان کشور عزیزما از تداوم جنگ و درگیری های مسلحانه بستوه آمده اند و از هر نوع تقابل و رویارویی بیزارند، اما پیشبینی هایی در مورد احتمال درگیری مسلحانه دیگری با اسلام آباد نیز مطرح بحث می باشد.

وضعیت و چگونگی اوضاع درکشور عزیزما بگمان اغلب که منعکس کننده روندهای مغلق تری خواهد بود که با شر کت فعال و همه جانبه "طالب" ها در حال شکل گیری می باشد. "طالب" ها در کشورما، بویژه در وضعیت و شرایط حا ضر، بمنظور تهبیه و تدوین اسطوره های سیاسی خویش تلاش می ورزند. حامیان آنها امیدوارند تا در آینده ها، بگو نه حداقل هم اگر شده، به برخی از جنگجویان و فرماندهان میدانی آنها پیشنهادهایی را مطرح نمایند.

اما خاطر نشان می گردد که از یکجانب تلاش ها بمنظور برقراری مناسبات دوستانه با "طالب" ها عجیب بنظرمی رسد اما از جانب دیگر، سیاست و نحوه عملکرد آنها همچنان بدون اندکترین تغییری باقی مانده و از جانب دیگر، انتقام گیری های داخلی درکشور نیز همچنان ادامه دارد. از جانب دیگر، اهل سیاست چنین می پندارند که حتا یک صلح بد، از نزاع و شعله ورگردیدن درگیری مسلحانه بهتر بنظرمی رسد، اما این واقعیت را باید در نظر داشت که دستورکاری باید تهیه و تدوین گردد که بهیچوجه با دستورکار سیاسی داخلی در تضاد و تقابل نباشد.

کارشناسان مسایل مربوط بکشورما و دست اندرکاران مطالعه و بررسی مسایل و موضوعات منطوقی چنین میپندارند که تماس ها با حاکمان کنونی افغانستان، باید بگونه نهایت محتاطانه ای تنظیم و ترتیب گردد. با وجود موضعگیری و نوع نگرش "طالب" ها در قبال بانوان کشور، چگونگی قوانین و نوع موضعگیری در قبال مذاهب موجود در کشور قابل تأمل پنداشته می شود، اما با وجود اینهمه، باین واقعیت باید معترف بود که "طالب" ها با در نظر داشت تجارب قبلی، تلاش می ورزند تا موضعگیری ها و نوع نگرش شان را در مورد مسایل و موضوعات یادشده، بدقت تهیه و تنظیم نمایند.

اما از موجودیت ذخایر عظیم و گسترده کشور و اهمیت ترانزیتی و انتقال اموال مورد نیاز از طریق کشورما و تأمین ارتبا ط با جنوب آسیا را نباید بی اهمیت تلقی نمود. اما همه موارد در این باره نیازمند ثبات پایدار و تأمین امنیت سراسری در کشور پنداشته می شود. البته تأمین امنیت بگونه کامل و همه جانبه آن از عهده "طالب" ها خارج می باشد، اما نباید فراموش نمود که درمجموع حاکمیت کنونی درکشور، درمورد برخی از مسایل و قضایای موجود، اتفاق نظری موجود نمی باشد که چنین وضعیتی بخودی خود، سبب سازنگرانی هایی می گردد.

در مورد نحوه و چگونگی سیاست های "طالب" ها این واقعیت قابل تأمل پنداشته می شود که آنها تلاش می ورزند تا دایره دوستان و حامیان خارجی شان را وسعت بخشیده و دیگران را به عادلانه بودن موضعگیری های شان متقا عد نمایند.

در این مقطع پرسشی باین شرح مطرح می گردد آیا درمورد گسترش مناسبات و روابط تنگاتنگ با "طالب" ها، می توان بگونه کاملی متوجه مقیاس و اندازه تغییرات ژئوپولیتیکای، بویژه پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها درکشور گردید؟

باید پذیرفت کاصل واقعیت احساسات دینی و مذهبی بویژه در امتداد زمانی دو دهه پسین در داخل قلمرو و اراضی کشور عزیزما، بنحوی تبارز نموده و نسلی از سیاست دانان و اهل خبره کشور به دیدگاههای یادشده پابند بوده و خویش را درمورد، متعهد می پندارند.